

آقا سید و طرفداران دو آتشه فوتبال

رفیق نابی دارم به نام آقا سید که هر از چند گاهی به من سر می زند و جویای احوال می گردد . آقا سید ما که به خلاصه به وی آ سید می گوئیم یکی از طرفداران پر و پا قرص ورزش و بخصوص فوتبال است. شب و روز خود را با فوتبال سپری می کند و اطلاعاتی دقیق، کافی و وافی از فوتبال روز ایران و دنیا دارد ولی از آنجائیکه یک عکس با شورت ورزشی ندارد او را قبول ندارند و تا در بحث ها و اظهار نظر ها می خواهد لب باز کند و حرفی بزند می گویند اول عکس با شورت ورزشی و بعد سخن گفتن در مورد ورزش.

آ سید معتقد است که عکس با شورت ورزشی این روز ها به چماقی برای خاموش کردن صدای منتقدان به حساب می آید. فردی که در دوران جوانی شورت ورزشی به پا کرده و به جای فوتبال بازی کردن، چمن زمین را شخم کرده حالا ورزشی تر از افرادی که عمری را در ورزش و هواداری از آن گذرانده اند به حساب می آیند .

او از فضای حاکم بر ورزش و فوتبال اردبیل بسیار گله مند است و می گوید برخی ها با رفتار و حرکات خود نمی گذارند آخر عمری آب راحت از گلوی ما پائین برود. تماشاگر برای خود هویت دارد و شخصیت. هواداری از یک تیم معنی و مفهوم خاص دارد. گاهی وقت ها کسی که در خانه با مادرش و یا همسرش دعوی کرده و به حالت قهر از خانه بیرون می آید و جایی برای گذران اوقات فراغت پیدا نمی کند به ورزشگاه می آید و تماشاگر می شود و نرسیده شعار حیا کن رها کن سر می دهد و به سراغ شیر سماور می رود.

این قبیل افراد که تعدادشان نیز اندک و حسابشان از طرفداران و هواداران واقعی جداست می توانند در یک چشم به هم زدن جو ورزشگاه را آلوده بکنند و به ضرر تیم، ناخواسته اقدام بکنند.

آ سید چشم غره ای به من رفته و ادامه می دهد از کجا شروع بکنم؟ برخی ها که این روزها میدان را برای تاختن مهیا می بینند برای خود در دنیار هواداری حکومتی راه انداخته اند و دفتر و دستکی را تصاحب نموده اند. این تعداد قلیل به بیماری خود بزرگ بینی مبتلا شده اند و اعتقاد بر آن دارند که حرف آنها حجت، غیر قابل برگشت و لازم برای اطاعت است، در غیر اینصورت آنهائی که بر خلاف آنها تفکر داشته باشند خونشان مباح و مرگشان روا و عین صواب است.

همین هفته گذشته این تماشاگر نماها چه قشقرقی که راه نه

انداختند. هر چه از دهان مبارکشان درآمد در آن گروهها و چه می دانم کانال ها گفتند و آبرویی برای فوتبال ما باقی نگذاشتند. حالا یکی مدام حریف می طلبید و می گفت بیائید حضوری حسابهایمان را تسویه بکنیم. می گفت رو در رو سخن گفتن نتیجه بخش است چرا که یکی از دو باید ساکت گردد و با پذیرش مستی سنگین و محکم دهان ببندند و اطرافیان را از وراجی هایش راحت نمایند.

یکی دیگر را سراغ دارم که به جرم یکی دو کلمه انتقاد روزگارش سیاه شده است. حتی زن و بچه اش نیز از عنایات آنها محروم نشده اند. تهدید های تلفنی و اینکه اگر باز هم انتقاد بشود و بگوید بالای چشم فلان آقای دوست داشتنی و محترم ابرویی وجود دارد دمار از روزگارشان در می آورند و یا اینکه فردی به ساحت مقدس یکی اهانت کرده و یا فردی را مقصر قلمداد نماید فوراً انگ اخلاقی به وی و دوستانش بزنند و از یک مسیر نامردی و به دور از مردانگی بخواهند او را ساکت بکنند.

آسید گفت: این قبیل افراد آبروی هواداران صادق و راستین را برده و جهنمی برای آنها که عمر خود را در روی سکو ها گذرانده اند ایجاد کرده اند و اگر حامیان این قبیل افراد به ظاهر هوادار نخواهند در مقابل یکه تازی ها و بی حرمتی های آنها به ایستند و از ادامه راه آنها ممانعت بکنند برای تو در ملاقات های بعدی حرف های زیادی برای گفتن خواهم داشت.